

نوروز در کردستان

(شهرستان بانه)

○ سیروس معروفی



چهارشنبه سوری، رفتن به بیرون از خانه است. در گذشته مرسوم بوده که زنان با قیچی‌هایی که همراه خود می‌برند از موی سر بچه‌های خود چند تار موی می‌چینند و دور می‌اندازند. این رسم تا حدودی هنوز باقی است و عقیده بر این است که با این کار دود و بیماری از اطفال دور می‌شود و انجام ندادن آن موجب انتقال بلاها از سال گذشته به سال نو است. برخی نیز تعدادی سنگریزه، غالباً چهار عدد جمع کرده و در هنگام برگشتن به خانه به نیت دور کردن دل‌افسردگی‌ها و ناراحتی‌ها به پشت سر می‌اندازند. در بعضی روستاها پشم یا موی دام‌ها را برای رفع چشم‌زخم و بلا و بیماری با قیچی می‌چینند.

غروب چهارشنبه‌سوری در خارج از خانه آتش روشن کرده و خاکستر آن را در کاسه یا کوزه شکسته می‌ریزند و سکه‌ای در آن انداخته و به خرابه‌ای پرت می‌کنند به نیت دوری نکبت و نحوست. کسی که این کار را انجام می‌دهد نباید به پشت سر نگاه کند وگرنه نیش باطل می‌شود. معمول است در روز چهارشنبه‌سوری حتی خویشان نزدیک به خانه یکدیگر نمی‌روند چون بر این باورند که نحوست این روز را به آن خانه می‌برند. چهارشنبه را نیز

کوتاه چهارشنبه است که در سنج چوارشه‌مه کوله تلفظ می‌شود و در منطقه مَکری (مهاباد) قله چوارشه‌مه گفته می‌شود.

در کردستان آخرین چهارشنبه ماه صفر را نیز کوله چوارشه‌مه می‌گویند و هر یک از این روزها یعنی آخرین چهارشنبه ماه صفر و چهارشنبه پایان سال را روزی نحس می‌دانند.

مراسم چهارشنبه‌سوری در بانه

در بانه نیز مانند دیگر نقاط کردستان رسم رایج روز

خانه‌تکانی و تمیز کردن منازل و لباس‌ها در حدود ده روز پیش از نوروز از مقدمات مراسم این جشن باستانی در کردستان است. بدیهی است این رسم که در تمام نقاط ایران مرسوم است یادآور جشنهای ده روزه فروردگان در ایران باستان و عقیده به بازگشت فروهرهای درگذشتگان است. در بعضی از نقاط کردستان عقیده بر این است که ارواح درگذشتگان آنها به کاشانه‌های خود بازمی‌گردند. هرچند در بانه این اعتقاد و باور به شکل بارزی نیست ولی به خانه‌تکانی و نظافت و شستشوی وسایل منزل و لباس‌ها و ظرف‌ها می‌پردازند.

چهارشنبه‌سوری (کوله چوارشه‌مه shama Kollachwar)

در کردستان از جمله بانه آخرین چهارشنبه سال را کوله‌چوارشه‌مه می‌گویند. جزء دوم این نام همان چهارشنبه است و جزء اول آن واژه کُردی Koll با لام مفخم و وای مجهوله است، به معنی کوتاه و به اضافه «ه» پسوند نسبت است. آمدن این پسوند تلفظ کوله Kolla به ضم اول و فتح دوم و سکون آخر و معنی ترکیبی کوله چوارشه‌مه

تئوری موسیقی



- خودآموز موسیقی
- کینگ پالمر
- ترجمه بهروز وجدانی
- نشر دایره، ۱۳۷۹

کتاب حاضر با نام «خودآموز موسیقی» تلاش دارد دانشجویان و هنرجویان موسیقی را به این نکته واقف سازد که یادگیری تئوری و آگاهی یافتن از مباحث نظری موسیقی در تعمیق آموخته‌های آنان بسیار مؤثر خواهد بود.

این اثر برای دانش‌آموزان و دانشجویان رشته موسیقی و علاقمندان موسیقی غربی تألیف شده و حاوی مباحث و پرسش و پاسخ‌هایی در زمینه‌های بنیادی موسیقی چون نت‌نویسی، آکورد، گام، ملودی، هارمونی، سازشناسی، موسیقی سازی و آوازی و مکتب‌های مختلف موسیقی غربی است. هم‌چنین شرح مختصری از زندگی و آثار آهنگسازان معروف اروپا از دوره کلاسیک تا مدرن، همراه با واژه‌نامه موسیقی مورد اشاره قرار گرفته است. خوانندگان با فراگیری مطالب کتاب آمادگی بیشتری برای استفاده از آموزش‌ها و رهنمودهای استادان موسیقی در کلاس‌های خصوصی یا رسمی پیدا خواهند کرد.

کینگ پالمر عضو پیوسته «آکادمی سلطنتی موسیقی» و «انجمن سلطنتی هنر» انگلستان است و علاوه بر توانایی فوق‌العاده در آهنگسازی و دیگر رشته‌های موسیقی دارای مقالات و سخنرانی‌های متعددی در زمینه آهنگسازی، ارکستراسیون، موسیقی کلیسا و نواختن پیانو می‌باشد.

درواقع عبارت است از طنزهای عمیقی که از اعماق واقعیات تلخ جامعه است به شکلی بذله‌مانند ادا می‌شود که تمامی رنج‌ها و دردها و آرمان‌های تحقق نیافته رنجبران در مقابل حکام ستمگر و استثمارکنندگان روستاییان و زحمتکشان است و چون در طول تاریخ مردم ریشه این موضوع را از یاد برده‌اند، بیشتر توجه به سطح سخنان آنان دارد که همان حاضر جوابی و بذله‌گویی دلگشاه است. به هر حال برای این کار دو نفر جوان با ذوق و لطیفه‌گو را انتخاب می‌کنند و یک دست لباس زیبایی زنانه به یکی از آنها می‌پوشانند و با دقت تمام آرایشش می‌دهند. برای دیگری هم که پالتویی بزرگ و دراز که بر قامت او بزرگ و مضحک است می‌پوشند. شاخ‌هایی از تخته یا دو دسته جاروهای کوتاه و ریشی از پنبه یا پشم و سیل درازی از موی بز برایش می‌سازند در حالی که دسته‌ای از جوانان آنان را همراهی می‌کنند در کوچه‌های ده به گردش می‌پردازند و خانه به خانه می‌دوند. با بدیهه‌گویی و حرکات و سکنات غیرعادی موجبات خنده و شادی مردم را فراهم می‌آورند.

گاهی در میان این کوسه‌ها مردانی بسیار دانا و عمیق هستند که هر امر جدی را با مسخره‌گی به ناروایی‌های جامعه ربط می‌دهند و از زبان شوخی بهره گرفته چیزهایی را که همه از گفتن آن ترس دارند او با لحن شوخی بیان می‌دارد که اهل فهم و درک درمی‌یابند و عامه آن را لطیفه پنداشته و می‌خندند ولی آنکه می‌فهمد و می‌گوید و آنکه می‌فهمد و نیشخند می‌زند لب ماجراست و درواقع مصداق این بیت است که:

رو مسخره‌گی پیشه کن و مطربی آموز

تا داد دل از کپتر و مهر بستانی؟! باری با توقف کوسه‌ها و باران آنها در کوچه‌های ده عده‌ای از کودکان و مردان مخصوصاً جوانان روستا به گرد آنها فراهم می‌آیند در این حال کوشش و تلاش کوسه‌ها در خنداندن مردم اوج می‌گیرد و کودکان و نوجوانان خوش‌آواز ترانه‌های محلی می‌خوانند همه با هم به رقص و پایکوبی می‌پردازند. طنین کف زدن و بانگ شادی و آهنگ‌های دل‌انگیز کردی فضای روستا را نشاط‌انگیز می‌نماید.

تخم‌مرغ نوروزی

رنگ‌آمیزی تخم‌مرغ نیز یکی دیگر از مراسم نوروزی در کردستان از جمله بانه می‌باشد. در آخرین روز اسفندماه یا در اولین روز سال نو انجام می‌گیرد. در روستاها که همه چیز ساده و بی‌آلایش است رنگ‌آمیزی تخم‌مرغ در هر خانه به این شکل است که تعدادی تخم‌مرغ را با مقداری پوست پیاز یا کمی روناس چند دقیقه در آب می‌جوشانند. تخم‌مرغ‌ها رنگ زیبایی گلی به خود می‌گیرند. گاهی به جای پوست پیاز و روناس از کاه و زاج استفاده کرده تخم‌مرغ‌ها زرد یا نارنجی می‌شوند. یکی دیگر از شیوه‌های رنگ‌آمیزی کردن تخم‌مرغ در روستاها مقداری برگ‌مو خشک در آب می‌جوشانند در این حال تخم‌مرغ‌ها قهوه‌ای می‌شوند.

افراد خانه در خانه خود می‌مانند و از منزل بیرون نمی‌روند و اگر روز یا شب چهارشنبه‌سوری کسی به خانه دیگری برود صاحب‌خانه ورودش را به فال بد می‌گیرد. این مراسم به این ترتیب برگزار می‌شود و آتش‌بازی آن مقدمه‌ای است برای (تاگری نه‌وروز) یعنی آتش نوروز و نهایت شور و شفع و هیجان برای نزدیک شدن به کلیه مراسم شامگاه باشکوه آن.

در پاره‌ای شهرها و نقاط کردستان از جمله بانه معمولاً خانواده‌هایی که در آخر سال یکی از اعضا خانواده خود را از دست داده‌اند، شب نوروز مراسم آتش‌بازی ندارند.

در پایان مراسم آتش‌بازی کودکان و جوانان روستایی در یک یا چند دسته به دور هم جمع می‌شوند و از هر دسته یک نفر شال مخصوصی را که معمولاً بر روی لباس کُردی به دور کمر می‌پیچند و پنج یا شش متر طول دارد، از روزنه هر یک از خانه‌ها آویزان می‌کنند و هدیه نوروزی می‌خواهند. این شال را در زبان کُردی پشتوین Peshtwen یا شال با لام مفخّم می‌گویند. شال و هدایایی که در آن می‌ریزند ناوشالانه Naoshallana می‌نامند. اگر کودکان خود چنین شالی نداشته باشند از پدران یا برادر بزرگتر می‌گیرند و پس از آویزان کردن شال از روزنه‌های نسبتاً بزرگی که در وسط پشت‌بام‌ها قرار دارد با صدای بلند می‌گویند:

هه‌لانه مه‌لانه کورتان ببی به زاوا شتیکمان بو‌بخه‌نه ناوتاو!

یعنی شال آویخته و آویزان است پسران داماد شود چیزی برای ما در تابه بیندازید. این جمله در زبان کردی سجعی شعرگونه دارد یا می‌گویند:

هه‌تری مه‌تری شتیکمان بو‌بخه‌نه بن چه‌پری مه‌تری تابع آن چه‌پری بر وزن خطری هر چیزی که بافته شده باشد، مانند سبد و زنبیل کوچک از ترکه یا کوش گندم.

یعنی چیزی برای ما در بن‌چپر بیندازید که یکی از اعضا خانه‌ای که شال برای آنان آویخته شده مقداری نقل یا مویز یا گردو و خرما و سنجد و بادام در لوله شال ریخته گره می‌زنند و آنها فوری بالا می‌کشند و این ناوشالانه را در زنبیل یا سیدی که همراه دارند می‌ریزند و به پشت‌بام دیگر خانه‌ها رفته تا بالاخره آنچه را دریافت‌اند بین خود تقسیم می‌کنند.

کوسه و گردش نوروزی وی

یکی دیگر از سنت‌های ویژه نوروز در کردستان گردش کوسه در روستاهاست. کوسه با قیافه و هیبتی غیرعادی در عین حال مضحک در آغاز سال نو برای همه اهالی هر روستا آرمغانی از خنده و شادی و نشاط به همراه دارد. با حرکات و سخنان جالب توجه حضار را متوجه خود می‌سازد. در سیمای خُرد و کلان برق شادی و امید جلوه‌گر می‌شود، عامه صرفاً کوسه را یک برنامه فکاهی تصور می‌نمایند، در صورتی که ریشه کوسه بسیار قدیمی است و یک طنز حاکی از جزئیاتی تاریخی است که در عمده نقاط ایران برگزار می‌شود و چه بسا بی‌ارتباط با میرنوروزی نباشد. گفتار کوسه